



روزنامه صبح غرب کشور

صاحب امتیاز: مسعود جواندل | مدیرمسئول: سید حسن قشمی | سردبیر: زهره پوروهایی | چاپ: پیام رسانه | نشانی تحریریه: همدان، خیابان پاستور، کوچه شهید عزیزبان، پلاک ۵۹

تلفن دفتر مرکزی: ۳۱۳۳۰ - ۰۸۱ | امور مشترکین: ۰۹۱۸۳۱۶۸۵۷۴

صاحب امتیاز روزنامه: (۰۹۱۸۸۱۲۱۵۴) | آگهی‌ها: ۳۸۲۵۴۰۴۰ - ۰۸۱

پیامک: ۳۰۰۰۱۸۱۸۶۰ | ارتباط با تحریریه: ۳۸۲۷۲۹۳۹ - ۰۸۱ | دورنما: ۳۸۲۸۱۸۴۹ - ۰۸۱

| گستره توزیع: استان‌های ایلام - کرمانشاه - کردستان - مرکزی - همدان |

■ **دوشنبه ۲۳ خرداد ماه ۱۴۰۱**

■ **سال دوازدهم ■ شماره ۲۳۲۵**



مرا اسکن کنید

🌤️ ۱۹، ۴ | همدان

🌤️ ۲۳، ۸ | کرمانشاه

☀️ ۲۱، ۴ | مرکزی

📍 ۲۱، ۱۰ | ایلام

📍 ۲۱، ۷ | سنندج

🌐 www.sepehrgharb.ir

✉️ Email: sepehrgharb.news@gmail.com

📱 sepehrgharb_live



حدیث



شاهد

امام رضا علیه‌السلام شب‌ها در بسترش بسیار قرآن می‌خواند و هرگاه به آیه‌ای که در آن از بهشت یا آتش یاد شده بود می‌رسید، می‌گریست و بهشت را از خدا مسئلت می‌کرد و از آتش به او پناه می‌برد.

عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۲، ص ۱۸۲

ما همه رفتار و کردارمان را به امام امت، آن پیر جماران مدیون هستیم؛ او به مردم باری قرآن و ائمه اطهار (ع) را آموخت.

شهید سیدامیر فدایی‌قزوین

سلام باشکوه همدانی‌ها به فرمانده



مرتاضان یا عارفان، کدامیک قدرتمندترند؟

معنوی خارق‌العاده‌ای دست یابند؛ ضمن آنکه در کلاس درس پدر عرفان شیعه حضرت آیه‌الله قاضی (ره) نیز شرکت می‌کردند و در مکاشفات عرفانی به گفته بزرگان از همه پیشی گرفته و شاگرد ممتاز درس عرفان نیز بودند. حال ببینیم در ملاقات مرتاض هندی با علامه طباطبایی چه بلایی بر سر مرتاض بیچاره می‌آید.

■ **دست برتر عرفان اسلامی در رویارویی با**

عرفان‌های کاذب

ملاقات مرتاض با علامه با نگاشتن تفسیر شریف المیزان مصادف می‌شود. معروف است که حضرت علامه به جهت کمبود وقت ابتدا یک صفحه را نوشته و سپس نقطه‌گذاری می‌کردند. با این کار در هر صفحه دو دقیقه در وقت صرفه- جویی به عمل می‌آمد؛ بنابراین به مرتاض می-فرمایند بنده فرصتی ندارم و مشغول نگاشتن تفسیر هستم. شما کارتان را شروع کنید و کاری به کار من نداشته باشید. مرتاض سعی می‌کند همان‌گونه که جسم علما را تحت تصرف درمی-آورد، در جسم علامه طباطبایی نیز نفوذ کند.

علامه هزارچندگاهی سرشان را بلند کرده و به مرتاض نگاه می‌افکندند و دوباره مشغول پژوهش می‌شدند. مرتاض هندی پس از نیم ساعت با عصیانیت بلند می‌شود و فریاد می‌زند؛ این دیگر کیست که مرا نزد او آورده‌اید؟ حاضرین می‌گویند چه اتفاقی افتاده است؟ مرتاض می-گوید: من بارها شروع به تصرف از پاهای ایشان کردم و به سمت سر ایشان بالا آمدم. همین که به سرشان می‌رسیدم، ایشان یک نیم‌نگاهی به من می‌کرد و با اراده‌اش راه گلو می‌فشرد، به‌گونه‌ای که تا مرز فک می‌رفتم و همین که می‌خواستم دست‌وپا بزنم، رهایم می‌کردند و به مطالعه و نوشتن مشغول می‌شدند. اکنون به این ناور رسیدم‌ام که قدرت او به‌مراتب بیش از قدرت من است و ایشان همه تلاش‌های مرا در کسری از ثانیه نقش بر آب می‌کند.

■ **سلسله مراتب ایمان**

از اینجا روشن می‌شود («شخصی که در عرفان اسلامی تحصیل کرده و سال‌ها براساس دستورالعمل‌های اسلامی ریاضت کشیده، به قدرت‌هایی دست می‌یابد که مرتاضان خوابش را هم نمی‌توانند ببینند»). دستیابی به قدرت-های خارق‌العاده تاحدی برای هرکسی حتی

کسی است که در علم ادبیات فارسی و عربی، منطق و فلسفه، فقه و اصول، ریاضی، تاریخ، تفسیر، علم رجال (شناخت روایان احادیث)، علم درایه (شناخت احادیث)، فن شاعری و عرفان اسلامی صاحب‌نظر و مجتهد است.

علامه مصباح یزدی (ره) درباره ایشان می-گوید: برای فراگیری علم ریاضی استادی را می-یابند که محل زندگی‌اش در حد فاصل میان نجف و کربلا قرار داشته است. علامه طباطبایی از ایشان تقاضای تشکیل کلاس درس می‌کند، آن استاد می‌گوید تنها ساعت دو بعدازظهر می-تواند زمانی را به این امر اختصاص دهد. علامه طباطبایی می‌گویند: یک ساعت زمان صرف می-شد تا از محل خوابگاه به روستای آن استاد برسم و در اثر گرمای طاقت‌فرسای فصول گرم کربلا در مسیر کلاس عرق پیشانی‌ام به کف پایم می‌رسید، اما هیچگاه کلاس درس را ترک نکردم.

غرض از ذکر داستان مذکور این است که ایشان همه عمر خود را صرف تحصیل در راه خدا می‌کنند و همواره تسلیم امر الهی بوده و در مقام عمل با اراده پولادین باوجود مشکلات مالی فراوان، تحصیل و پژوهش می‌کردند. به همین سبب، دور از ذهن نیست که ایشان به قدرت‌های

سپهرغرب، گروه اندیشه- حامد محمدی متین؛ اگر اسلام تنها دین حق است و عمل به تعالیم آن قدرت‌های معنوی انسان را صدچندان می‌کند، چرا مرتاض‌هایی‌که اعتقادی به خدا ندارند، از قدرت‌های خارق‌العاده برخوردارند، درحالی که اکثریت مسلمانان از انجام کارهای آن-ها عاجز هستند؟

■ **مرتاض هندی و تسخیر امام موسی صدر**

نقل شده است سال‌ها پیش مرتاضی به قم آمده و روحانیون را تسخیر می‌کرد! به این صورت که به آن‌ها دستور می‌داد روی سینی بنشینند؛ سپس مرتاض با اراده خویش آن سینی را بلند کرده و («کلهپا») می‌کرد. حتی امام موسی صدر نیز شخصاً روی سینی می‌نشیند و هرچه تلاش می‌کنند، نمی‌توانند خود را از سینی جدا کرده و از آن خلاصی یابد. این امر ولول‌های میان افراد به پا می‌کند؛ اینکه کافری از خدا بی‌خبر مسلمانان را آن هم بانیان امر دین و دینداری را در اختیار می‌گیرد و در آن‌ها تصرف می‌کند، می‌توانست مایه تزلزل ایمان و شک و شبهه در حقانیت اسلام ایجاد کند.

■ **مختصری از زندگینامه علامه طباطبایی**

کار تا جایی بالا می‌گیرد که نزد علامه طباطبایی رفته، جریان را اطلاع می‌دهند. علامه طباطبایی

سپهرغرب، گروه اندیشه: مهدی گلشنی معتقد است: فلسفه اسلامی همچون چتری فراگیر بر فکر و عمل امام خمینی (ره) حاکم بود و به همین دلیل هم هست که تمامی فعالیت‌های ایشان در دوران همین سامانه قابل توضیح است.

انقلاب اسلامی ایران اگرچه به‌واقع حماسه‌ای ماندگار در عالم سیاست سده بیستم میلادی به‌شمار می‌آید، اما آنچه آن را از سایر انقلاب‌ها و خیزش‌های سیاسی مشابه در سایر کشورها جدا می‌کند، بن‌مایه‌های اندیشه‌ای و انگیزه‌های فرامادی نیروهای دخیل در آن رستاخیز مردمی است که این‌وجوه تمایز بیش و پیش از هرکس در شخص شخصیت امام خمینی (ره)، به‌عنوان رهبر بلامنازع انقلاب نمود دارد.

آن حکیم الهی با درآمیختن و امتزاج سه ساحت فقهی، فلسفی و سیاسی با یکدیگر توانست «فلک را سقف بشکافد و طرحی نو دراندازد»؛ همین هم هست که برخلاف تحلیل‌ها و توصیف‌های متنوع و پُرشماری که اندیشمندان داخل و خارج از کشور از انقلاب اسلامی به دست داده‌اند و می‌دهند، باز هم ماهیت راستین انقلاب و به طریق اولی امام خمینی (ره) ناشناخته و دور از دسترس می‌ماند. با این حال و برخلاف قلت بضاعت و سرمایه، نمی‌توان و نباید از تلاش در جهت شناسایی و شناساندن ابعاد انقلاب و نیز شخصیت امام (ره) بازماند.

به همین منظور به سراغ مهدی گلشنی رفتم و تلاش کردم‌کم که از دریچه فهم یک فیزیکدان

مهدی گلشنی:

شأن فلسفی امام خمینی (ره) بر فقه‌شان هم حاکم بود

نمی‌شود فهمید، پس در نگاه ما جایی ندارد و غیره. این دیدگاه که خدا را از فلسفه گذاشتند کنار، از اواسط قرن نوزدهم غلبه زیادی پیدا کرد.

من این مقدمات را می‌گویم تا ببینید امام خمینی (ره) چه نقشی داشت. در ادامه آن روند، به‌تدریج که مکاتب فلسفه علم درست شدند، آن‌ها هم تأکید کردند روی نقشی که اصول کلی در علوم مختلف دارد؛ در فیزیک، اقتصاد و غیره. یعنی در هر علمی به طرز عام چند اصل حاکم

است؛ مثلاً در فیزیک این فرض که ما می‌توانیم جهان را بفهمیم یا اینکه ما می‌توانیم جهان را با ریاضیات توضیح بدیم، دو اصل کلی است. این نگاه دوباره شروع کرد به آمدن در درون علم و به تبع آن فلسفه هم قوت گرفت.

هنوز هم پوزیتیویسم که ظاهراً فلسفه را کنار می‌گذارد، برای خودش یک مکتب زنده است و در دانشگاه‌های جهان غلبه دارد؛ اما در کنار آن اتفاقی که به‌ویژه ۲۵ ساله اخیر در جهان افتاده، این است که علمای تراز اول در فیزیک، زیست‌شناسی و غیره دیدند چاره‌ای ندارند جز

بازگشت به آن اصول را یادآوری کنند، اما آن اصول مورد نظر امام و مقام معظم رهبری چیست؟ ببینید امام همیشه می‌فرمودند که ما می‌توانیم، ما چیزی از غربی‌ها کم نداریم. خب این برآمده از یک نگاه فلسفی عمیق بود، درحالی‌که نگاه مسئولین ما عمدتاً به طرف غرب بوده. یک مدت بعضی از رؤسای جمهور ما فکر می‌کردند که آمریکا می‌تواند ایران را نجات بدهد، درصورتی که آمریکا می‌خواهد سر به تن ایران نباشد، آن‌ها مرتباً تخریب می‌کنند تا نگذارند فناوری پیش رفته و کشور خودکفا شود تا نیازهایش را خودش برطرف کند.

همه این‌ها تحت شعاع همان جهان‌بینی غلطی است که متأسفانه بر ذهن برخی مسئولان حاکم است. حال آنکه در جهان‌بینی اسلامی این حدیث که می‌فرماید: «(الاسلام یعلو و لایعلی علیه» غلبه دارد و اگر این دیدگاه که مورد نظر امام (ره) هم بود به‌درستی اجرا می‌شد، تحریم‌ها نمی‌توانست این قدر اذیتمان کند و اگر این مقدار از تحریم عذاب می‌کشیم، نشان می‌دهد که آن بینش اسلامی در کشور حاکم نیست.

* به نظر شما مشکل از کجاست که بعد از گذشت بیش از چهار دهه هنوز نتوانسته‌ایم آرمان‌های امام (ره) و انقلاب را محقق کنیم؟ مشکل اینجاست که در انتصایات و به‌کارگیری افراد در مشاغل، شایستگی درنظر گرفته نشده؛ وقتی کسی را می‌خواهند به‌عنوان وزیر انتخاب کنند، باید دیدگاه بسیار وسیعی داشته باشد،

کسی که می‌خواهد نماینده بشود هم باید همین‌طور باشد، کسی را که می‌خواهند رئیس دانشگاه بکنند باید از دانش و بینش وسیعی برخوردار باشد و بچگانه فکر نکند. من یک‌بار در یک مصاحبه عرض کردم که بعضی از رؤسای دانشگاه در حد یک مدیر دبیرستان هم قابلیت ندارند و این چیزی است که در این سال‌ها از نزدیک شاهدش بوده‌ایم. همین چیزها است که نمی‌گذارند آرمان‌های امام (ره) پیاده شود و به کشور لطمه می‌زند.

■ **در نگاه شما به‌عنوان یک متخصص حوزه فلسفه علم، در شخصیت حضرت امام (ره) کدام وجه از وجوه فلسفی و فقهی غلبه داشت؟**

ببینید شأن فلسفی امام (ره) بر فقه ایشان هم حاکم بود؛ چون فلسفه واقعی با فقه واقعی بیگانه نیست. فلسفه همه چیز را از خدا می‌داند، فقه را هم بُدعی از ابعاد و فضاییای انسانی می‌داند. بنابراین هیچ تضاد و تعارضی بین این دو نیست. می‌گوید: «جهان چون چشم و خط و خال و ابروست/ که هرچیزی به جای خویش نیکوست». فلسفه در مقابل فقه نیست، بلکه مؤید آن است. البته منظورم فلسفه و فیلسوف واقعی است، وگرنه فلسفه قلابی که اصلاً ارزشی برای فقه قائل نیست. در یک کلام می‌خواهم بگویم امام در آثار و بیانات خودشان بسیار واضح و گیرا گفته‌اند که باید به همان جا رجوع کرد و آب را از سرچشمه‌ها برداشت.